

سیاست و اقتصاد عصر صفوی

نویسنده

باستانی یاریزی

(محمد ابراهیم)

استاد تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران



شعری

سرشناسه	: باستانی پاریزی / محمدابراهیم، ۱۳۰۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: سیاست و اقتصاد عصر صفوی / تألیف محمدابراهیم باستانی پاریزی.
مشخصات نشر	: تهران: علم، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۷۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۰۵ - ۷۲۳ - ۶ -
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا.
پادداشت	: چاپ قبلی: انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۷۸.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
موضوع	: ایران -- سیاست و حکومت، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
موضوع	: ایران -- اوضاع اجتماعی، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
رده‌بندی کنگر	: ۱۳۸۵ س ۹ ب ۱۱۷۸ / DSR
رده‌بندی دی‌سی	: ۹۵۵/۰۷۱
شماره کاتالانسی ملی	: ۸۵-۳۵۴۶۶ م



شکل

سیاست و اقتصاد عصر صفوی

محمدابراهیم باستانی پاریزی

چاپ ششم (اول نشر علم): ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: حیدری

مركز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بیت گرافر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ و تیراژ ناشر محفوظ است

شابک ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۲۴ - ۷۲۳ - ۶

فهرست مندرجات

۸-۷	مقدمه (مقدمه چاپ پنجم).....
	(خودنمایی و عرق شرم، مقدمه چاپ چهارم، برنامه دانشگاه ماکسی میلان مونیخ - مقدمه چاپ دوم، نامه جمال زاده، نقد ابوالحسن رحمانی - مجله دنیا، نظر دکتر زریاب خویی، اما نظر خردم، پیش درآمد - مقدمه چاپ اول)..... ۵-۹
۱	شروع یک حکومت (شهره سب)..... ۵۱
۲	پایه ریزی یا سنگ و آتش..... ۶۲
	(خشونت مقدس - آدم سوزی - بهره برداری از ثبات، نظرکرده شاه بابام، اغتشاشات داخلی، ملایست، مخالفان و متعصبان، زیر مرصع)
۳	قزلباش قبل از شاه عباس..... ۸۹
	(یک وزیر کرمانی، پیش گویی سلطنت، دعواء ترک و ارمنی، ییاداد عثمانی، باد همراهان قدیم، پذیرائی بیابان نشینان، احتساب شرع محبت، فلونیا رفیق راه، نمش در کیسه مخمل، بچه ها می گریزند، خانه میر تاج الدین، نبوغ شاه عباس)
۳	زیر بنا تجدید می شود..... ۱۲۴
	(رسم رانندگی، تسلط قزلباش، نقطه مرکز عالم، مبارز ترک و فارس، تغییر پای تخت، طبقه ای نابود می شود، قلع و قمع تقطویان، خط سبز)
۵	زمین، سرچشمه درآمد..... ۱۳۴
	(تقسیم آب ها، میر آب، املاک خالصه، املاک شخصی، اراضی ممالک، سر و غال، نیول و اقطاع، موقوفات، حفظ جنگل ها، از کجا آورده ای؟، مصادره، حمام زنانه، خود را در آینه نگاه کن)
۶	امنیت، کاروان سالار تروت..... ۱۷۸
	(موش سرمایه، راهها، سنگفرش راه، کاروانسرا، همراه کاروان، امنیت اقتصادی، ده هزار شتر)
۷	داد و ستد..... ۱۹۹
	(ایرشم - کالای پرسود، سرمایه گذاری خارجی، راه ایریشم، ده هزار عدل ایریشم، انحصار تجارت، اردبیل و سکو، کرمان و شال، تریاک و توتون ممنوع، واردات، گمرکات، راه آبی)

- ۸) مالیات‌ها ۲۲۶
(دوم حکام، مطالعات و طرح‌ها، گفتگو با چند زیان، آبراه کرننگ، نقشه از چین، پائیز پاریز، بازار به اعتبار لندن، حقوق کارگران، نوع مالیات، نجار یا کفاش؟، آتش بر سینه بد همکار، باید رفت پای تخت شاه، قبر شاه عباس، مزاربان تاریخ)
- ۹) پول، دخل، و خرج ۲۶۲
(شرب سکه، معدن نقره کوبنان، مقایسه ارزها، حقوق‌ها، درآمد کارگران، ارزش پول، منع صدور ارز، بودجه مملکتی، تنبه مردم ماریانان)
- ۱۰) ثروت، آسفتانه تجمل
(خزائن طلا و نقره، صینی طلا، آفتابه لکن طلا، ثبات کم رنگ می شود، زنجیر طلا، تفاوت دو تاجگذاری، اسب قس طلا، گیرها باید بروند، خانه نعمتدباشی، طلاشناس خندانشناس، بد مذهب‌ها)
- ۱۱) تجمل، آسفتانه فساد ۳۲۰
(خاتم جنگ، سران تهو خانه، اماکن فساد، باز هم صینی طلا، خانه ۱۲ تومانی، توبه منع، مقدمات تجزیه، مادر هم، افسان‌ها، آقامحمدخان چه کرد؟، مشک و پالتوپوست، هوس سوختن، عباسی لاغری شود)
- ۱۲) در سراسیمه سقوط ۳۵۹
(رشته - طلیعه فساد، خوش گندی، حقوق برشکار، سیاهی گرسنه، باز هم طشت طلا، وجود حاضر غایب، وزیر خوش نام، حق حسابی، دخالت در کار مهندس، رفتار با اقلیت، دادخواهی - شاه می آید، قاجاق، احسان ضعیف، نفوذ خواجه سراپان)
- ۱۳) امیران خرس، امیران هوس ۳۸۶
(وضع مالی، جنس‌ها استاندارد نیست، سرمایه‌ها خالی می شود، رکود صادرات، سلیمان صفوی، رباط خرگوش، جای پای زن فراموش نشود، شرب طلا، شرب مدام، یاسا و شرع، زن طلاق)
- ۱۴) مریدان مرادجوی ۴۰۶
(سطل طلا، میانجیو، تکری، باباطاهر، زرتشت، دیوژن، عثمان بن عفان، محسن الدین بمی، مظفر علیشاه، نظام الدین اولیاء، پارتون، خواجه رزماری، پیر نالین، معین الدین چشتی، کوه توبه، پرویزخان، دل سنگ و طبع لطیف، صمد بهرنگی، مجازات‌های عادی، ذوالباستین، سید هاشم خارکن، شکست غرور، صفی علیشاه، یابیر، استغناء شیخ)
- ۱۵) چشم اسفندیار و پاشنه اشیل ۴۳۹
(پرواز کور، سکری پرتاب، املاک نفیس خواجه‌ها، جاروب روبنده‌ییک، شلاق مسترفا، سیصد دست چرخ، یک درجه پائین تر، مال دیوان را باید گرفت، دعوای کلاتری، جای پای زن، شیخ الاسلام معارض، فاب طعام، دکان شیخ قلندر سرحدی، تصویر شاه و چاربا، سری بر کنگره، سر کله گیر، جزیه‌المجوس، گردها وارد می شوند، حرب شفاعت خواه حجم)

جدیدالاسلام صادق، اجاره ده یازده، دخترگیری مسلمان می‌شود، افغان جزیه بخش، کرد و کرمانی، توک خنجر، نسق روغن، چوپان بیگی، مس مثير، خالصجات کرمان، پیش پستانی قطعی، حاصل کویر و خرج قندهار، راه ثروت می‌آورد، ملک خوشترنگ، مهران پذیر باشید، مشتق فومنی، یاقوت ازبکی، مفتوی مختون، مرگ در زیر چوب، سی‌وسه درصد، انیس عیصی، هزار تومان کالا، شرق بلادفاح، کماندار بی‌کمان، ریش سفیدان بلوچ، آتش در خرمن بلوچ، شوخی گرفتند، هب، پوست پلنگ، غارت کوبیان، پنج هزار شتر، خودتان را نبات دهید، بقیه مادر شاه، مومبانی، توحیدخانه، کشیک در طویله، طومار در دهان

۱۶) افغان در چهل ستون..... ۵۲۶

(کمانداری با شکوه، سیصد کماندار، سنگ شری، نان انگور، صندوقهای سر، پالتو سورا، مخا ذیل بلوچ، دعای بیربند، لشکر دریاندایده، سردار گاسوار، محاکمه وزیر، نامه سخن چین، من سی هسم، در قم چیزی نگفتم، بلوای نان، نقشه شاه اسمعیل، مرزهای آبی و خشکی، در دجله بریزد، بست خانه عمر، تیرباران بچه ۱۴ ساله، حتی نماز جمعه هم، آذوقه قندهار، گریه شاه افغان و دختر ارمنی، قهر قاجار، شمشیر سادات، خصیة الاغ، محمود و اسکندر، دلسوزی حرن، سلام و علیک شاه، اشتباه منتظم ناصری، آزار بلندپایه)

۱۷) پیروزی چهل بر ظلم..... ۵۸۰

(چوپانگدار، فروزینی مهران کش، صادر، مرد، قتل بچه سادات، راسپوتین محمود، افغان کشی، انصاف از هم می‌باشد، دست به دامن شمشیر، پیروزی چهل)

۱۸) بت تراش و بت شکن..... ۶۰۲

(منتجم چه می‌گوید؟، سنگ شرق خالی است، دست بر دامن افغان، رقابت شاه و وزیر، کرمان و همراهی با افغان، زرتشتیان و افغانها، با دُر کشان هم، منگوله طلا، رنجش پیر، پیوستگی با ریشه، دست خدا و خلق، همای سایه افکن، خیانت هست، باز هم زنجیر طلا، توطئه پدر و پسر، باغ آقامحمدخان)

۱۹) از کوه تاریکزار..... ۶۳۴

(چنار آتش گرفت، چهره‌ها تغییر می‌کند، حق خندیدن، شلوار گلدوزی، لیره‌های سرطلا، معنی شاه بودن، فداکار و خیانتکار، چکه میخ طلا، تخت خواب زرین، مرگ زیر بار طلا، ماهیگیر سیستان، رکاب چوبی، شیر پاسبان شاه، چادر به سر، بند شلوار، مرگ در جنگ، مردن بند طلا، تخت طلا، تریاک کارساز، کیای فراخ شلوار، از این طفل تا آن ملول، بی‌گور و کفن، جهانگیر و جهاندار، خرده گیر لکچه باز، تیول لباس، ایوان کسری، سید چهل گهواره، غلامان دلاک، یساوان صحبت، سرباز نادری، الملک عقیم، سپاه فلیان چاق کن، فورق شکار، پول پول می‌آورد، شرایط حکومت، شکم‌ها بزرگ شد، قدرت در کجاست؟، جوشن لحاف دوز، زیرسیکاری طلا، یک فرمول قطعی، میخ طویله طلا، گور سیاست‌مدار، عودسوز طلا از سولون تا نهر)

نام‌یاب..... ۷۱۷

فهرست تصاویر

۲۵۵	عالی قاپو	۸	یک قزلباش سفیر
۲۵۹	سنگ قبر شاه عباس	۱۳	نامه استاد دانشگاه مونیخ
۲۶۵	رساله سیاق ابواسحق	۱۵	برنامه دانشگاه مونیخ
۲۷۵	رساله ابواسحق	۴۳	کارت دعوت انجمن ایران و آمریکا
۲۷۹	شاه عباس تفنگدار	۵۷	تشکیل دولت ملی در ایران
۲۹۱	رساله ابواسحق	۶۱	شجره نسب مادری شاه اسمعیل
۳۰۵	ضیافت شاه صفی	۶۹	شاه اسمعیل اول
۳۱۵	هشت بهشت	۷۷	شاه طهماسب اول
۳۳۶	حمل اسیران	۸۱	جواهرات تاج‌لویگم
۳۴۷	جنگ چالدران	۱۰۵	شاه محمد خداپسند
۳۵۱	شاه عباس دوم	۱۱۵	قم در عصر صفوی
۳۵۵	گنبد الله‌الله	۱۲۳	یک قزلباش
۳۶۱	مهر شاه سلیمان	۱۳۱	کنیه بکناش خان
۳۶۹	سان اشکر شاه سلیمان	۱۳۵	از مجموعه موزه لوور
۳۹۳	پل قزل اوزن	۱۴۱	تصویر اروپائی شاه عباس
۴۰۵	هشت بهشت	۱۴۳	کنیه گنجعلی خان
۴۱۹	شیخ صفی، شاه سلیمان، تیمور	۱۴۹	آبیاری و خرمن
۴۶۶	رسید جزیره	۱۷۵	تصویر شاه عباس
۴۸۱	چوپان بیگی	۱۸۱	نفت بادکوبه
۵۵۱	تصویر شاه سلطان حسین	۱۸۳	کاشان
۵۶۳	حجره مخصر من شاه سلطان حسین	۱۸۵	پل بین راه لار
۵۷۷	تاجگذاری محمود	۱۹۱	یک کاروانسرا
۶۰۷	محمدرضا بیگ	۱۹۹	شاه عباس و ازبک‌ها
۶۱۱	مدرسه چهارباغ	۲۰۷	نقشه راه‌ها
۶۶۳	شعر ابوعلی سینا	۲۱۳	سلطانیه
۶۸۵	چهل ستون	۲۱۷	ساوه
۷۰۳	دعوت انجمن آمریکا	۲۲۳	بندر عباس
۷۰۹	طاق ضربی قدرت	۲۳۱	چهل ستون
		۲۴۳	میدان شاه

به جان چا پشتم سیه و چنگ

پیر مرد که بر مار طوطیون دوات می کردم ، کب زدن نه چندان پوسته و کجید

هم قول که پنهانی زنی را معلوم بود ، صفت ددک ساله است سولی
هنوز آب در جوی جوانی است ، هنوز لب پر آب ندگمانی است

کب بابر آبگشود و صفت ، این بکله حلفند ، از امر و احیای است سلطان خود را

فرزندم آتک خود را که از اهل کلمه و عقیده دارم که دور دود جوانی است

حلفم که کت و ثوبه از دستم برود نه ۹۷۹۷ میون سوزان آسترم بود و میزند
در دلم کز صافه کشی ای صفت ، از کز کلاس از تو ، و دیگر من مولا است
قدیم و شرف و عطر ، او با زار میزند عالم کلمه ، ایک بار که آلودگفت

کردیم ما زده تر بود و نمود سوزنی گشتی ، هیچگاه را که وجود خوش

من دلم میزد است جام آبی در دماغ ما ای بکله استغای قدرت ، بیجا ، صفت و رفته
که مردم از آن سال شاه میری ، و حام البوا ، بجهت کشته

اتفاقا در همین دوران صفویه که بود حامی دارم که در صف جاده عالی پیش
آفرام صفت که فیلم مستند از صفی جسم میزند ، در دست مثل تصویر که در جاساسی کلا بجا

سیه من سینه اگر آب دهی در این سولی ، در دهان او سلفیت را می خورند

صفوی میزد : ... فاسک در شان ۳ قند و سلطان کلمه ۲ در صفت کلمه

فاسک گیتی سان را در صفوی خود در مستند سلفیت کلامی داد

نفاذ سلفیت ، به نام مامی آن ساله ، مادر و زار است در آلوده

و دلایه ارشاد که از آلوده و حواد ، به افسوسه میرد ، به فرزند سپرد ،

مقدمه جاب‌پنجم

ده سال پیش، نگارنده توسط آقای بیرون نوشته راین فرینگلی آیت‌لیا - که در بازسازی نقاشی های چهل ستون خدمتی کرده اند - پیشنهادی کردم که از یونسکو بخواهند تا یک مراسم جهانی به مناسبت چهارصدمین سال پایتخت شدن اصفهان برپا دارند - و بنویسند مقدمه ای هم فراهم آید - ولی کم کم به دوار آجری بی همتایی برخورد کرد و متوقف شدند .

دنیا سده هجری در دوران دوریت ساد صفویه سده هجری است و اکنون سده چهاردهم بزرگ عالم - سیمارسانی در مورد این سلسله که تیب داده اند که مفسر نیز می باشد - پادشاه شرکت داشته است - وابسته به نوزم های تحقیق است . این کتاب سه کتاب است و آنها صفوی ، با توجه به اسناد باز یافته ، به یک صورت تازه و در واقع بازسازی شده - که در علم جاب اول است - در دسترس شماست و به امید من این است که بلاخره یک روزی اصفهان - که ام البلاد و مترادف علی عصر صفوی است آنها هزاران صفویه شناسان عالم بوده باشد - و هم خوب که مانیز زنده باشیم و این مراسم را در کنار زاینده رود بینیم . به امید آن روز

زمستان ۱۳۷۸ - اول سال دوم هزار - باستانی پاریزی

خودنمائی و عرق و شرم

چاپ چهارم «سیاست و اقتصاد عصر صفوی» مقدمه می‌خواست. مقدمه بر چاپ جدید یک کتاب، معمولاً چیز تازه‌ای نخواهد داشت. فرصتی است برای خودنمائی مجدد! این فرصت را یک نامه که از آلمان داشتم، مثل مائدهٔ آسمانی، از آسمان به زمین آورد.

«انستیتوی فرهنگ و ادب ممالک شرقی» و «دپارتمان ترک شناسی» دانشگاه ماکسی میلان مونیخ، در ساعت درس، در «ترم» جاری سال ۱۹۸۸ میلادی^۱ خود گذاشته بود تحت عنوان «آثار باستانی پارسی، در چهار چوب تحقیقات اجتماعی و اقتصادی ایران» پیش خود گفتم: مگر آلمانها بتوانند چهارچوب برای نوشته‌های من بگذارند وگرنه تحریرات بی سروئی این بنده ناتوان، چیزهایی است که هیچ جارچوبی ندارد و در هیچ قابی و قالبی نیز نمی‌گنجد:

چارچوب خشت زن، تا خاک هست

می‌دهد تقطیع شعرش نیز دست

گر شود بیشه قلم، دریا مدید

مثنوی را نیست پایانی بدید